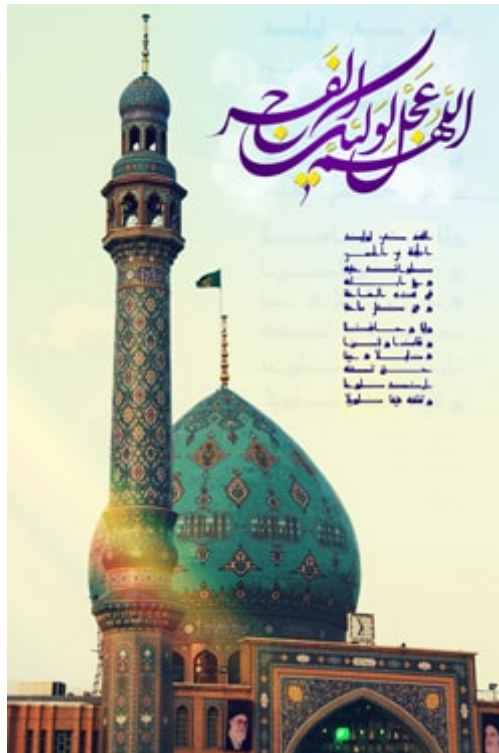




چکیده

میان علامت های قیام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ندای آسمانی جایگاه ویژه ای دارد. مطرح شدن این مطلب در روایات فراوان، تطبیق آیاتی از قرآن توسط اهل بیت (علیه السلام) بر آن، مطرح شدن آن در آخرین توقیع، حتمی بودن و آغاز ظهور حضرت به وسیله ندا، نشان از اهمیت آن دارد. مهم ترین هدف از ندای آسمانی، شناساندن حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به جهانیان و اعلان آمدن او است. در این نوشتار، ابتدا مباحث «واژه شناسی ندا»، «هدف از اعلان ندا»، «نشانه های حتمی و بدا»، و «ندای آسمانی در قرآن کریم» مطرح می شوند، سپس ندای آسمانی معرفی و به وظیفه مخاطبان ندا و نداهای دیگر و ندای آسمانی از نگاه عامه اشاره می شود.

مقدمه

وعده ظهور برقرار کننده عدالت در جهان و برچیننده ظلم از گیتی، برجسته ترین آینده بینی حجت های پروردگار است که همه ادیان آسمانی از آن خبر داده اند. این حادثه، به قدری با ارزش است که آینده نگری های وحیانی، نشانه ها و حوادث پیرامون آن را بازگو کرده اند. بخش زیادی از روایت های اسلامی در بحث مهدویت، مربوط به علامت های قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

میان نشانه ها، «ندا یا صبیحه آسمانی» جایگاه ویژه ای دارد؛ زیرا ده ها حدیث درباره آن به دست ما رسیده است. آیاتی از قرآن کریم - به ویژه آیه چهارم سوره شعراء - طبق روایت های تفسیری بر آن دلالت دارند. این نشانه، در توقیع آخر برای نایب چهارم علی بن محمد سمری مطرح شده و ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) منوط به خروج سفیانی و صبیحه آسمانی معرفی شده است.

علاوه بر این، ندای آسمانی از نشانه های حتمی قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به شمار می آید. با این ندا، نام و نسب و برحق بودن حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و پیروانش برای جهانیان اعلان می شود و مردم از زمان ظهور آگاه می شوند. می توان گفت با آمدن فردی با خصوصیت های سفیانی از وادی یا بس و تسلط او بر منطقه خاور میانه و رخ ندادن «ندای آسمانی» نمی توان ادعا کرد این فرد، همان سفیانی مطرح شده در علایم حتمی متصل به قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است؛ ولی با اعلان ندای آسمانی ظهور حضرت رقم می خورد.

در این نوشتار، مطالبی درباره ندا، به صورت فشرده مطرح می شود و سپس به بحث اصلی درباره آن می پردازیم.

الف. واژه شناسی ندا

در احادیث ندا، واژه های «ندا»، «صبیحه»، «صوت»، «اعلان»، «فزع»، و «هده» به کار رفته است که به توضیح اجمالی آن ها می پردازیم:

1. واژه «ندا» به معنای خواندن با صدای بلند است. «النداء رفع الصوت و ظهوره؛ ندا بلند کردن و آشکار کردن صدا را گویند» (راغب، بی تا: ص 486). در روایت ها، واژه «ندا» بیشتر برای صدایی بامحتوا، به کار رفته است.
2. واژه «صبیحه» به معنای فریاد یا صدای بسیار بلند است. «الصوت بأقصى الطاقه؛ مراد از صبیحه، صدا با نهایت توان است» (طریحی، 1362: ج 2، ص 389). این واژه در احادیث ندا، برای صدای با محتوا استفاده شده است.
3. واژه «صوت» به معنای صدای سخن است. «الصوت فی العرب جرس الکلام» (طریحی، همان: ص 209). صوت در زبان عربی به معنای صدای سخن است.

در چندین روایت از احادیث ندا، کلمه «صوت» آمده است. در حدیثی، عبدالله بن ابی یعفور از امام جعفر صادق (علیه السلام) می پرسد: «مراد از صوت چیست؟ آیا همان ندا دهنده است؟» فرمود: «بلی و به وسیله آن، صاحب این امر شناخته می شود» (نعمانی، 1422: ص266).

4. واژه «اعلان» به معنای «آشکار کردن» آمده است. «علن الامر...أی شاع و ظهر؛علن الأمر، یعنی آن امر را آشکار و پخش کرد» (فراهیدی، 1409: ج2، ص141).

تنها در یک روایت از احادیث ندا، کلمه «یعلن» آمده است. این حدیث، از امام رضا (علیه السلام) نقل شده است که می فرماید: «بردن نامش در دوران غیبت جایز نیست تا این که ایشان را می بینند و نامش اعلان می شود و تمامی مردم آن را می شنوند» (خصیبی، 1419، ج1: ص364). در نتیجه «اعلان» در این روایت، به معنای آشکارا بیان شدن نام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای همه مخلوقات است.

5. واژه «فزعه» به معنای ترس است. «فزع منه... أخافه و روعه؛ فزع منه، یعنی از او ترسیده و هراسناک شده» (ابن منظور، بی تا: ج8، ص251). اگر درباره ندای آسمانی، این واژه را بپذیریم، ترسناکی ندای آسمانی را روشن می کند.

6. واژه «هده» به معنای صدایی است که از فرو ریختن یا انهدام چیزی شنیده می شود. «الهدهدم له وقع و سقوط شيء ثقيل و الهده صوت وقع؛ هده به معنای انهدامی است که همراه فرو ریختن و سقوط شيء سنگینی باشد. الهده، صدای فرو ریختن آن را گویند» (راغب، همان، ص537). در احایث شیعه، تعبیر «هده» درباره ندا نیامده است؛ ولی در تعداد قابل ملاحظه ای از روایت های عامه، تعبیر «هده» به کار رفته است.

در روایتی عبدالله بن مسعود از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می پرسد: ای رسول خدا! مراد از صیحه چیست؟ فرمود: صدایی است که در نیمه رمضان شنیده می شود» (مروزی، 1423: ج1، ص185).

ب. هدف از اعلان ندا

1. شناساندن حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به جهانیان

مهم ترین هدف ندای آسمانی، شناساندن امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به جهانیان است؛ زیرا قیام آن امام، انقلابی جهانی است و شناسایی او نیز باید جهانی باشد، تا حجت بر همگان تمام شود و نگویند راه و مسیر حق را نشناختیم. در روایتی وقتی عبدالله بن ابی یعفور از امام جعفر صادق (علیه السلام) می پرسد: «آیا

مراد از صوت، همان ندا دهنده است؟» حضرت در پاسخ می فرماید: «بلی و به وسیله آن، صاحب این امر شناخته می شود (نعمانی، همان: ص266).

2. بشارتی برای مؤمنان و رنجشی برای کافران

پیروان حق با شنیدن ندای آسمانی، نشاط و شادابی خاصی می یابند و آگاه می شوند که مولایشان بعد از قرن ها انتظار می آید و در پرتو آن، حق و عدالت همه جا را نورانی خواهد کرد. گویی با شنیدن ندا، روحی تازه در وجودشان دمیده می شود. از سوی دیگر، دشمنان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با شنیدن آن ندا، می فهمند برابر قدرت آسمانی او توانی ندارند و نمی توانند مقاومت کنند. از امام رضا (علیه السلام) نقل شده است: هنگام فقدان آب گوارا، بسیاری از مردان و زنان مؤمن، دلسوخته و متأسف و اندوهناکند. گویی آنان را در نا امید ترین حالاتشان می بینم که ندا را می شنوند؛ ندایی که از دور، مانند شنیده شدن از نزدیک، شنیده می شود. آن، رحمتی برای مؤمنان و عذابی بر کافران است (شیخ صدوق، 1380: ج2، ص59).

3. اتمام حجتی همگانی

ندای آسمانی، همگانی است و هر کس با زبان خود این ندا را می شنود (نعمانی، همان: ص262). دیگر جایی برای عذر و بهانه باقی نمی ماند که اگر واقعاً می دانستیم او حجت خداوند است، از او پیروی می کردیم. در روایتی از امام جعفر صادق (علیه السلام) چنین نقل شده است: «به اسم و کنیه و نسب حضرت، ندا داده می شود. این مطلب، دهان به دهان بین اهل حق و باطل و موافقان و مخالفان می چرخد، تا حجت را بر آنان در شناختن او تمام کند» (مجلسی، 1404: ج53، ص3).

ج. نشانه های حتمی و بدا

با توجه به حتمی بودن ندای آسمانی که با واژه های گوناگون در احادیث اهل بیت (علیه السلام) (طوسی، 1425: ص435؛ نعمانی، همان: ص261) بیان شده است، آیا احتمال عدم وقوع ندای آسمانی هست؟ به عبارت دیگر آیا می شود در نشانه های حتمی بدا حاصل شود؟ داوود بن قاسم جعفری می گوید: «نزد ابو جعفر (علیه السلام) (امام نهم) بودیم که از سفیانی و حتمی بودن امر او سخن میان آمد. از امام پرسیدم: «آیا در امر محتوم، بدا

حاصل می شود؟» فرمود: «بلی». به آن حضرت گفتم: «می ترسم در امر قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز بدا حاصل شود؟» فرمود: «آمدن قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از وعده های الهی است و خداوند، خلف وعده نمی کند» (نعمانی، همان: ص314).

این حدیث، بدا را در امور حتمی جایز می شمارد. بنا بر این روایت، احتمال دارد ندای آسمانی واقع نشود. نشانه حتمی، به علامتی گویند که آمدنش بر امر دیگری متوقف نباشد و صد در صد واقع شود؛ به همین دلیل می بینیم علامه مجلسی در توجیه روایت بالا می گوید: «احتمال دارد مراد از واقع شدن بدا در امور محتوم، بدا در خصوصیات آن ها باشد، نه در اصل وجودشان؛ مانند خروج سفیانی قبل از نابودی بنی عباس و مانند آن» (مجلسی، همان: ج52، ص251). توجیه علامه مجلسی نمی تواند مناسب باشد؛ زیرا خلاف ظاهر روایت است؛ ولی می توان گفت:

اولاً: روایت از جهت سند، به دلیل مجهول بودن «محمد بن احمد بن عبدالله خالنجی» ضعیف به شمار می آید. ثانیاً: بر فرض اعتبار سند، با احادیث دیگر که امور حتمی را تغییر ناپذیر معرفی می کنند، منافات دارد (نعمانی، همان: ص312؛ شیخ طوسی، همان: ص449).

ثالثاً: صاحب مکمال المکارم می نویسد:

غرض و منظور از قرار دادن نشانه ها آن است که مردم به وسیله آن ها امام غایب خود را بشناسند و از کسی که به دروغ ادعای امامت کند، پیروی ننمایند؛ پس هر گاه تمام نشانه ها تغییر کند و هیچ یک از آن ها برای مردم آشکار نشود، نقض غرض لازم می آید و این، بر خداوند محال است (موسوی اصفهانی، 1381: ج1، ص512).

رابعاً: می توان از روایات، سه مطلب استفاده کرد:

1. اخباری که اگر شرایط حاصل شود و مانعی نباشد، حادث می شوند.
2. اخباری که همه شرایطشان حاصل است و مانعی برای تحقق ندارند، مگر اراده و خواست الهی.
3. اخباری که همه شرایطشان آماده است و مانعی ندارند و خداوند در تحقق آن ها دخالت نمی کند؛ زیرا با وجود قدرت بر این کار، با صفات ربوبی او نمی سازد؛ مانند ستم که خداوند قادر بر آن است؛ ولی از باری تعالی محال است «وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا»؛ چون با عدل الهی منافات دارد. همچنین است وعده الهی که خداوند خلف وعده نمی کند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ» (آل عمران، 9).

امور حتمی، از نوع دوم است؛ یعنی شرایطشان حاصل و مانعی برای تحققشان وجود ندارد؛ ولی اراده و خواست الهی در تحقق آن ها دخیل است (ر.ک: عاملی، 1412: ص60). پروردگار متعال به سبب اثرهای مطلوب نشانه های حتمی و اثرهای نامطلوب رخ ندادن آن ها از تحققشان جلوگیری نمی کند. در ندای آسمانی، آنچه حتمی مطرح شده است، اصل ندا است؛ ولی خصوصیات آن، حتمی نیست؛ مثال، زمان ندا می تواند ماه رمضان نباشد و هر زمان می توان منتظر ندای آسمانی و ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بود. «توقعوا

د. ندای آسمانی در قرآن کریم

آیاتی از قرآن کریم به وسیله احادیثی از پیشوایان معصوم (علیه السلام) بر ندای آسمانی، تفسیر یا تطبیق شده اند (نعمانی، همان: ص 267 و 269؛ قمی، 1404: ج 2، ص 326؛ حسینی، 1409: ج 2، ص 732). روایاتی، مراد از «آیه» چهارم سوره شعراء را صیحه یا ندای آسمانی دانسته اند (قمی، همان: ص 118؛ کلینی، همان: ج 8، ص 258؛ نعمانی، همان: ص 267).

آیه چنین است: «إِنْ نَشَأْ نُنْزِلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ؛ اگر بخواهیم از آسمان بر آنان آیه ای (معجزه ای) نازل می کنیم، تا گردن هایشان برابر آن فروتن شود.»

جایگاه آیه در بحث مهدویت

میان احادیثی که مراد از «آیه» را ندای آسمانی می دانند، پنج روایت با سند صحیح وجود دارد. عبدالله بن سنان می گوید: نزد امام جعفر صادق (علیه السلام) بودم. شنیدم مردی از همدان به حضرت می گوید: «آنان (عامه) ما را مسخره می کنند و به ما می گویند: شما گمان می کنید منادی از آسمان به اسم صاحب این امر ندا می دهد؟!». عبدالله بن سنان می گوید: امام در حالی که تکیه داده بود، ناراحت شد و صاف نشست. سپس فرمود: از من روایت نکنید و از پدرم نقل کنید و این مطلب برای شما اشکالی ندارد. شهادت می دهم من از پدرم شنیدم که می فرمود: «به خدا قسم این مطلب در کتاب خداوند عز و جل روشن است. وقتی می آورد «إِنْ نَشَأْ...» پس در آن وقت کسی در زمین نمی ماند، مگر این که گردنش مقابل آن، خاضع شده و فرو می افتد» (نعمانی، همان: ص 267).

دیدگاه مفسران

تفسیر آیه با آنچه در این روایات مطرح شده است، مناسبت ندارد؛ به همین دلیل مفسران به دنبال پاسخ این اشکال بر آمده اند:

علامه طباطبایی درباره این احادیث می گوید:

در تفسیر قمی، ذیل آیه «إِنْ نَشَأْ نُنْزِلْ...» می گوید: پدرم از ابن ابی عمیر از امام جعفر صادق (علیه السلام) روایت کرد که فرمود:

گردن هایشان - بنی امیه - با صیحه آسمانی به نام صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، نرم و خاضع می شود. می گویم: این معنا را کلینی در روضه کافی و صدوق در کمال الدین و مفید در ارشاد و شیخ در الغیبه

روایت کرده اند و ظاهر این روایات، همه از باب جری و تطبیق است نه از باب تفسیر؛ چون سیاق آیه با تفسیر بودن آن نمی سازد (طباطبایی، 1417: ج 15، ص 254).

این حدیث در تفسیر قمی از ابن ابی عمیر از هشام از امام جعفر صادق (علیه السلام) نقل شده است (قمی، همان: ج 2، ص 118).

در تفسیر نمونه آمده است:

روشن است که منظور از این روایات، بیان مصداقی از مفهوم وسیع آیه است که سرانجام به هنگام ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رهبر حکومت جهانی، تمام حکومت های ظلم و جور که خط بنی امیه را ادامه می دهند، به حکم اجبار در برابر قدرت مهدی و حمایت های الهی او، سر تسلیم فرود می آورند (مکارم شیرازی، 1374: ج 15، ص 188).

نتیجه

چنان که گذشت اهل تفسیر «ندای آسمانی» را از باب جری و تطبیق و بیان مصداقی از مفهوم وسیع آیه دانسته اند؛ یعنی مفهوم آیه چنین است: خداوند هر وقت بخواهد، معجزه ای از آسمان می فرستد، تا گردن ها برابر آن فرو افتد و تسلیم امر خداوند شوند و یکی از مصداق های آن، می تواند هنگام ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ندای آسمانی به نام آن حضرت باشد.

سؤال: آیا خداوند کسی را از روی اجبار به پذیرش ایمان دعوت می کند؟ در پاسخ به این پرسش، شیخ طوسی در ذیل آیه می گوید:

«ایمان اجباری، مقصود از تکلیف را نقض می کند؛ زیرا خدای تعالی اگر این کار را بکند، دیگر مستحق ثواب و مدح نخواهند بود» (طوسی، بی تا: ج 8، ص 5) پس ایشان این کار را از خداوند نفی می کند.

در پاسخ به این پرسش می توانیم بگوییم: وقتی به آیات قرآن می نگریم، درباره بنی اسرائیل چنین می خوانیم: «وقتی کوه (طور) را بر سر آنان بر افراشتیم، گویی سایبانی بود و گمان بردند که بر آنان فرو خواهد افتاد (و گفتیم): آنچه به شما داده ایم، با قوت بگیرید و آنچه در آن هست، به خاطر بسپارید، تا تقوا پیشه کنید» (اعراف، 171).

بنا بر مفاد این آیه، خداوند، بنی اسرائیل را مجبور به ایمان و پذیرش دستورهای تورات می کند، هنگامی که آنان به سبب سختی شریعت، از پذیرفتن آن سرباز می زدند. شیخ طوسی ذیل این آیه می گوید:

دلیل قرار گرفتن کوه بر آنان این بود که حضرت موسی (علیه السلام) وقتی تورات را بر ایشان آورد و از احکام و حدود آن آگاه شدند و سختی عبادت و پذیرش آن را فهمیدند، از پذیرفتن آن امتناع ورزیده و گفتند: این کار بر ما سخت و سنگین است. پس خداوند، کوه را مانند سایبانی بر روی آنان افراشت و حضرت موسی (علیه السلام) به آنان فهماند که اگر تورات را نپذیرید و به دستورهای مطرح شده در آن عمل نکنید، کوه بر شما فرود می آید؛ به

همین دلیل آنان تورات را پذیرفتند و خداوند فرود آمدن کوه را از آنان باز داشت (طوسی، همان: ج5، ص25).

می بینیم شیخ طوسی ایمان اجباری درباره بنی اسرائیل را مطرح می کند و هیچ اعتراضی به بی ارزش بودن آن نمی کند یا توجیهی برای آن نمی آورد. در تفسیر نمونه این سؤال مطرح شده است که آیا ایمان آوردن در این حال (کوه طور بالای سر) جنبه اجباری ندارد؟ و پاسخ می دهد «شک نیست که در آن حال، یک نوع اضطرار بر آنان حکومت می کرده؛ ولی مسلماً بعد از بر طرف شدن خطر، راه را با اختیار خود می توانستند انتخاب کنند» (مکارم شیرازی، همان: ج6، ص238).

این مطلب، درباره ندای آسمانی نیز صادق است؛ یعنی گر چه ندا باعث کرنش ابتدایی همگان می شود، ولی پس از مدتی، هر کس راه خود را انتخاب می کند و این مطلب در روایات اهل بیت (علیه السلام) پس از شنیدن ندای ابلیس، مطرح شده است (نعمانی، همان: ص267).

بحث اصلی در این نوشتار، بیان ویژگی ها و پیامدهای ندای آسمانی و وظیفه مخاطبان در مقابل آن است که در چند محور بیان می شود.

محور اول: ویژگی های ندای آسمانی

الف. ندا دهنده

احادیثی ندا دهنده را جبرئیل امین (علیه السلام) معرفی می کنند (نعمانی، همان: ص262؛ طوسی، 1425: ص454؛ صدوق، 1380: ج2، ص558؛ حسینی، همان: ص708؛ بحرانی، بی تا: ص238). این مطلب با عبارت های «هی جبرئیل»، «هو صوت جبرئیل»، «ینادی به جبرئیل» و... آمده است. این روایات، از نظر سند ضعیف هستند؛ ولی به دلیل تظاهر آن ها و نداشتن مخالف، می توان پذیرفت که ندای آسمانی توسط جبرئیل امین (علیه السلام) اعلان می شود.

ب. مکان ندای آسمانی

بیشتر احادیث، به آسمانی بودن ندا با عبارت های مختلف اشاره دارند. در یک روایت، عبارت متفاوتی آمده است: «لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ حَتَّى يَنَادِيَ بِاسْمِهِ مِنْ جَوْفِ السَّمَاءِ» (نعمانی، همان: ص 301). در این حدیث که از امام جعفر صادق (علیه السلام) نقل شده است، کلمه «جوف» به آسمان اضافه شده است که اشاره دارد که مکان ندا، وسط آسمان است.

ج. زمان ندای آسمانی

یکی از مباحث مهم و قابل طرح درباره ندای آسمانی، زمان آن است. این مطلب از چند حیث قابل بررسی است:

یکم. زمان مطرح شده در احادیث برای ندا

زمان آن در احادیثی، ماه مبارک رمضان معرفی شده است. این احادیث با عبارت های «صَبِيحَةُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ»، «يَكُونُ الصَّوْتُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ»، «شَهْرُ اللَّهِ تَعَالَى وَ فِيهِ يَنَادِي بِاسْمِ صَاحِبِكُمْ وَ اسْمِ أَبِيهِ» و... آمده است (نعمانی، همان: ص 262 و 266؛ صدوق، همان: ج 1، ص 597؛ طوسی، همان: ص 452 و...). میان این روایت ها، شش حدیث، زمان ندا را شب بیست و سوم معرفی می کنند و از میان آن ها، سه حدیث، بر شب جمعه بودن ندای آسمانی دلالت دارد.

نکته ای که قابل بررسی است، شب یا روز بودن زمان ندا است؛ زیرا کنار روایاتی که زمان ندا را ماه رمضان و در شب معرفی می کرد، روایاتی زمان ندا را اول روز معرفی می کنند. این احادیث با عبارت های «يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَوَّلَ النَّهَارِ» و... بر این مطلب دلالت دارد (کلینی، 1405: ج 8، ص 177؛ صدوق، همان: ج 2، ص 558؛ طوسی، همان: ص 435؛ مفید، 1413: ج 2، ص 371).

برای جمع این دو دسته از احادیث، فرض هایی قابل طرح است:

فرض اول: شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان، شب قدر است. در روایتی از امام جعفر صادق (علیه السلام) آمده است: «شَبُّ قَدَرٍ فِي كُلِّ سَنَةٍ يَأْتِي فِي رَمَضَانَ وَ يَوْمَئِذٍ يَنَادِي بِاسْمِ صَاحِبِكُمْ وَ اسْمِ أَبِيهِ» (طوسی، 1365: ج 4، ص 331). بنابر این روز بیست و سوم، جزئی از شب آن حساب شده است و از اول شب بیست و سوم تا غروب روز بیست و سوم، شب قدر به حساب می آید. در این صورت، ندای آسمانی اول روز بیست و سوم واقع می شود که قسمتی از شب قدر است.

فرض دوم: مراد از شب در «لیله ثلاث و عشرين» و «لیله جمعه» هنگام طلوع فجر باشد؛ زیرا هنگام طلوع فجر، قدر مشترک میان شب و روز به حساب می آید. در فضیلت نماز صبح، هنگام طلوع فجر چندین روایت نقل شده

است و دلیل این فضیلت را حضور ملائکه شب و ملائکه روز مطرح می کنند (کلینی، همان: ج3، ص282؛ صدوق، 1413: ج1، ص211).

بنابر این اگر ندای آسمانی، هنگام طلوع فجر اعلان شود، هم اطلاق «شب بیست و سوم» بر آن صحیح است و هم اطلاق «روز»؛ به ویژه این که، احادیث دلالت کننده بر واقع شدن ندای آسمانی در روز، همگی قید «اول النهار» را دارند و اول روز، هنگام طلوع فجر است.

فرض سوم: اختلاف زمان ندای آسمانی، به حساب مکان ها است؛ یعنی به دلیل اختلاف افق ها. البته ندای آسمانی یکی است و یک بار اعلان می شود؛ ولی یک جا، اول شب بیست و سوم است و یک جا، آخر شب و جای دیگر، اول روز بیست و سوم؛ لذا اختلاف مطرح شده در احادیث، به این دلیل است.

فرض چهارم: تکرار ندای آسمانی است؛ یعنی ندای آسمانی اول، شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان به معرفی نام و نسب حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می پردازد و ندای آسمانی دوم، اول روز است؛ یعنی اول روز بیست و سوم، ندای دوم به حقانیت علی (علیه السلام) و پیروانش اعلان می شود. گویا با اعلان ندای اول، بسیاری از مردم جهان باز حضرت را نمی شناسند؛ ولی با ندای دوم و با توجه به شناختی که از شیعیان دارند، می فهمند که مراد از ندای اول، همان امام دوازدهم شیعیان، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که می آید.

فرض پنجم: تکرار ندای آسمانی است؛ یعنی ندای آسمانی اول، شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان به معرفی نام و نسب حضرت می پردازد و ندای دوم، اول روز است؛ اما روز آن مشخص نیست. احتمال دارد روز قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در دهم محرم، از کنار کعبه باشد که روایاتی بر این مطلب دلالت می کنند (نعمانی، همان: ص262؛ صدوق، 1380: ج2، ص603؛ حر عاملی، بی تا: ج3، ص570). شواهدی که بر تکرار ندای آسمانی دلالت می کنند، چنینند:

1. محتوای ندای آسمانی شب بیست و سوم با محتوای ندای اول روز فرق دارد. در اولی محتوا، معرفی نام و نسب حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است و در دومی محتوا، بر حق بودن علی (علیه السلام) و شیعیان ایشان یا رستگاری آنان است.

2. احادیثی که بر تکرار ندای آسمانی دلالت می کنند. در این باره دو حدیث را می آوریم:

روایت اول: جابر بن یزید جعفی از امام محمد باقر (علیه السلام) ندای جبرئیل امین را سه بار در طول روز مطرح می کند و محتوای ندا را معرفی حضرت مهدی به نام و نسب می داند. البته این حدیث از جهت سند، ضعیف است و به صورت مرسل در کتب متأخر ذکر شده است (حسینی، همان: ج2، ص732؛ بحرانی، بی تا: ص238) و از حیث دلالت نیز با مدعای ما سازش ندارد؛ زیرا تکرار ندا را سه بار می داند و آن هم در روز و با یک محتوا.

روایت دوم: حدیث معتبری است که زرارہ بن اعین از امام جعفر صادق (علیه السلام) نقل می کند. در این روایت، زرارہ می گوید:

شنیدم امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود: منادی از آسمان ندا می دهد: «به درستی که فلانی، همان امیر است» و منادی ندا می دهد: «همانا علی و شیعه او همان رستگاران هستند». گفتم: «(با وجود این معجزات) پس چه کسی با حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نبرد می کند؟» فرمود: «شیطان ندا می دهد: همانا فلانی و شیعه او، همان رستگارانند...» (نعمانی، همان: ص272؛ مجلسی، همان: ج52، ص294).

در این حدیث، به زمان ندای آسمانی اشاره نشده است؛ ولی تکرار ندا را ثابت می کند و در مقابل دو ندای آسمانی، یک ندای شیطانی مطرح می شود. این حدیث، با روایات معرفی ندا در شب بیست و سوم و ندای آسمانی در اول روز سازگار است؛ زیرا ندای آسمانی در شب بیست و سوم، معرفی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به نام و نسب است و ندای اول در این روایت نیز معرفی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است و ندای اول در روز، بیان حقانیت امیر مؤمنان (علیه السلام) و شیعیانش یا رستگاری آنان بود و محتوای ندای دوم در این حدیث، حقانیت و رستگاری آنان است.

نظر اندیشوران

یکی از پژوهشگران، قائل به یک ندای آسمانی است و وجود دو ندا را نمی پذیرد. حتی فرق در محتوای ندا را توجیه می کند و قائل به جمع یا کنار گذاشتن یکی از دو محتوا می شود. به هر صورت وی قائل به یک ندای آسمانی و آن هم در بیست و سوم ماه مبارک رمضان است. او می نویسد:

بعد از حمل مطلق بر مقید و مجمل بر مبین، مطالب ذیل به دست می آید:

1. مراد از ندایی که از امور محتوم است، همان ندای جبرئیل (علیه السلام) به نام قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. 2. مراد از ندای بر حق، جز این نیست. 3. صیحه جبرئیل (علیه السلام) نیز همین ندا است (صدر، 1412: ص130).

نویسنده دیگری قائل به چندین ندا شده است که عبارتند از: سه ندای آسمانی در ماه رجب، دو ندای آسمانی در ماه مبارک رمضان و دو ندای دیگر در ماه رمضان، و ندای حضرت صاحب الامر (علیه السلام) در ماه ذیحجه که همگان می شنوند و ندای جبرئیل (علیه السلام) در ذیحجه بعد از بیعت و ندای دیگری در روز عاشورا به امارت حضرت و چند ندای دیگر؛ ولی او ندایی را که دارای اهمیت و کثرت اخبار و حتمی بودن می داند، دو ندای آسمانی در ماه مبارک رمضان است. او می نویسد:

اما ندای اول، ندایی است که در شب خواهد بود، در شب بیست و سوم. جبرئیل چنان صیحه ای زند که همه عالم بشنوند و خوابیده ها بیدار شوند و همه به فزع در آیند؛ به این جهت این ندا را «صیحه و فزعه» نیز نامیده اند... اما ندای دوم، حتمی است. اگر چه اخباری که در خصوص این ندا است، تصریح ندارد که ندا کننده جبرئیل است؛ بلکه (به) همین اندازه که منادی از آسمان ندا خواهد کرد (اکتفا شده است)؛ اما در اخبار مطلقه که در اصل ندا است، تصریح دارد به این که ندا کننده جبرئیل است... این ندای دوم، در اول روز است؛ در همان روز بیست و سوم، اما به نام امیر المؤمنین (علیه السلام) (خراسانی، 1384: ص281).

در نوشتار دیگری، تعدد نداهای آسمانی مطرح شده است و آن ها از جهت زمان و محتوا، متفاوت معرفی می شود. اما ندای آسمانی در ماه مبارک رمضان را از علایم حتمی می داند. وی می گوید: «از احادیث به دست می آید صیحه ای که بیشترین اهمیت را دارد و از علایم حتمی محسوب می شود، آن است که در ماه مبارک رمضان رخ می دهد» (قزوینی، 1380: ص409).

با توجه به قرائنی که بیان شد، به نظر می رسد اگر تکرار ندای آسمانی را بپذیریم، باید به توالی و پشت سر هم بودن دو ندا قائل باشیم؛ به صورتی که یکی به حساب آیند؛ زیرا وقتی ندای ابلیس برابر ندای آسمانی مطرح می شود، در روایات از مخاطبان خواسته شده است که از صدای نخست پیروی کنید و نیامده است که از صدای اول و دوم پیروی کنید. سه حدیث که یکی از آن ها از حیث سند معتبر است، با عبارت های «الصوت الاول» (نعمانی، همان: ص262 و 269)، «النداء الاول» و «المنادی الاول» (همان، ص267؛ بحرانی، همان: ص157) این مطلب را بیان می کنند.

دوم. حوادث قبل از ندای آسمانی

1. اختلاف بنی عباس

درباره این نشانه که از حیث سند، معتبر است و از امام محمد باقر (علیه السلام) نقل شده است، این گونه آمده: «ای جابر! ملازم زمین باش و دست و پایی حرکت نده (کنایه از حرکت نکردن برای یاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) تا علامت هایی که برایت می شمارم، ببینی. اولین آن ها، اختلاف بنی عباس است و نمی بینم آن را درک کنی؛ ولی برای بعد از من، از طرف من آن را ذکر کن و منادی از آسمان ندا می دهد و...» (نعمانی، همان: ص288).

از اختلاف بنی عباس و انقراض آن ها، سال ها می گذرد؛ اما در آن زمان و در ابتدای به قدرت رسیدن آنان، اهل بیت (علیه السلام) با این پیشگویی، شیعیان را از دل بستن به حکومت آنان بر حذر می داشتند و آنان را به آینده، امیدوار نگاه می داشتند. پس فاصله میان اختلاف بنی عباس و ندای آسمانی، زیاد است؛ ولی آن زمان، این مطلب علامت ظهور بوده است، مگر این که بگوییم دولت بنی عباس دوباره تشکیل می شود.

2. نشانه ای در ماه رجب

در حدیثی از داوود بن سرحان از امام جعفر صادق (علیه السلام) به این نشانه اشاره شده است. در این روایت آمده است: «سالی که در آن صیحه واقع می شود، قبل از آن در رجب نشانه ای رخ می دهد». گفتیم: «آن چیست؟» فرمود: «صورتی در ماه نمایان می شود و دست آشکاری» (نعمانی، همان: ص 261).

البته این حدیث از حیث سند، به دلیل توثیق نشدن «عباس بن عبدالله» ضعیف است و از حیث دلالت، منفرد است و نمی توان به آن اعتماد کرد؛ اما در روایات ندا، دو حدیث ندای آسمانی را در ماه رجب مطرح می کنند که یکی از آن ها، روایانش از عامه می باشند و از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) نقل شده است (خزاز قمی، 1401: ص 156) و دیگری روایت حسن بن محبوب از امام رضا (علیه السلام) است. این روایت، گر چه از حیث سند معتبر است؛ اما نقل های متفاوتی از آن به دست ما رسیده است و همین امر، باعث سلب اعتماد درباره وقوع ندا در ماه رجب می شود. ترجمه یکی از متن ها از این قرار است:

گویی می بینم از وضعشان ناامید شده اند که ندایی داده می شود و کسی که دور است، مانند کسی که نزدیک است، آن را می شنود. آن، رحمتی برای مؤمنان و عذابی برای کافران است. پرسیدم: «پدر و مادرم فدای شما! آن نداء چیست؟» فرمود: «سه صوت در ماه رجب است؛ اولین آن ها «أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ» و دومی: «أُرْفَتِ الْأَزْفَةُ يَا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ» و سومی، دست آشکاری همراه خورشید می بینند که ندا می دهد: «آگاه باشید! همانا خداوند فلانی را برای نابودی ستمگران فرستاد و در آن وقت گشایش مؤمنان می آید» (نعمانی، همان: ص 286؛ صدوق، همان، ج 2، ص 59؛ طوسی، همان: ص 439؛ مسعودی، 1409: ص 281؛ صدوق، 1378: ج 2، ص 6).

مهم ترین تفاوت در نقل ها با توجه به یکی بودن راوی از امام، تفاوتی است که نقل شیخ صدوق با نقل شیخ طوسی و نعمانی دارد و آن عدم ذکر محتوای سه ندا و نیز سه ندا بودن و این که ندا در ماه رجب است؛ در حالی که هر سه، از عبدالله بن جعفر حمیری از احمد بن هلال از حسن بن محبوب از امام رضا (علیه السلام) روایت را نقل می کنند. با توجه به این که مسعودی نیز بودن نداهای سه گانه را در ماه رجب نیآورده است و تنها محتوای نداها را می آورد، نمی توان به این حدیث اعتماد کرد و با این حدیث، بودن ندا در ماه رجب ثابت نمی شود. (1)

3. سختی، ترس، مرگ

یکی از نشانه های عمومی قبل از ندای آسمانی، مرگ و میرها به دلیل بیماری و کشتار میان مردم است که این امر، باعث ترس همگانی و سلب آسایش و سختی برای همگان می شود. روایاتی، این مطلب را بیان می کنند (نعمانی، همان: 470 و 275 و 288). اینک ترجمه یکی از این احادیث را بیان می کنیم: «مردم از آنچه بر سرشان می آید و نیز از ترس، دچار سختی شدیدی می شوند و آن حال پایان نمی یابد، تا این که منادی از آسمان ندا می دهد». این حدیث از ابوبصیر از امام محمد باقر (علیه السلام) نقل شده است.

4. یأس و ناامیدی

از اموری که پیش از قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و ندای آسمانی رخ می دهد، یأس و ناامیدی است که بر جهانیان سایه می اندازد و آنان امید خود را از آمدن منجی از دست می دهند. در احادیث مربوط به نشانه های قیام، این مطلب به وضوح مشاهده می شود و عباراتی چون «فخروجه إذا خرج عند الیأس و القنوط من أن یروا فرجاً» (نعمانی، همان: ص262) و «إنما یجئ الفرّج علی الیأس» (حمیری، بی تا: ص168) بر این مطلب دلالت می کنند.

در برخی روایات، این مطلب یکی از نشانه های قبل از ندای آسمانی معرفی شده است (صدوق، همان: ج2، ص59؛ همو، 1378: ج2، ص6). امام جعفر صادق (علیه السلام) می فرماید: «همانا برای محقق شدن این امر، مأیوس تر و غمناک تر می شوید، تا این که منادی از آسمان به اسم قائم (علیه السلام) و نام پدرش ندا می دهد» (نعمانی، همان: ص186).

د. محتوای ندای آسمانی

مضمون ندای آسمانی را می توان به دو قسمت اخباری و انشایی تقسیم کرد. مراد از محتوای اخباری، مطالبی است که قالب دستوری ندارد و برای آگاهی مخاطبان است و محتوای انشایی آن است که قالب دستوری دارد و شنونده را به انجام اموری فرا می خواند. اینک به توضیح این دو قسم می پردازیم:

محتوای اخباری

معرفی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به نام و نسب که ده ها حدیث به آن اشاره دارند (نعمانی، همان: ص168 و 262 و...؛ صدوق، 1380: ج1، ص597؛ کلینی، همان: ج8، ص178؛ طوسی، همان: ص452) و بیان امارت و حکومت برای حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که چندین روایت (نعمانی، همان: ص266؛ صدوق، همان: ج2، ص555؛ خزاز قمی، همان: ص147) با عبارت هایی چون «ان ولیکم فلان بن فلان القائم بالحق»؛ «هذا المهدی خلیفه الله»؛ «فلان بن فلان هو الامام» بر این مطلب دلالت می کنند. معرفی اهل حق و رهبر آنان به جهانیان که چندین روایت (صدوق، همان: ج1، ص603 و 2، ص60 و 558؛ طوسی، همان: ص435

و454؛ کلینی، همان: ج8، ص258؛ نعمانی، همان: ص267 و272) با عبارت های «الا ان الحق مع علی و شیعتہ»؛ «ان علیاً و شیعتہ هم الفائزون»؛ «الا ان حجه الله نقد ظهر... فان الحق معه و فیه» این مطلب را بیان می کنند. معرفی توصیفی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در چندین روایت (صدوق، همان: ج2، ص60؛ نعمانی، همان: ص301؛ حسینی، همان: ج2، ص732؛ مفید، 1413: ص208) با عبارت های «خیرامه محمد»؛ «القائم بالحق» و... و خبر دادن از ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با عبارت های «الا ان حجه الله قد ظهر عند بیت الله» (صدوق، همان: ج2، ص60) و خبر دادن از پایان حکومت جباران، با عبارت «ایها الناس قطع عنکم مده الجبارین» (مفید، همان: ص208) دلالت بر محتوای اخباری ندای آسمان می کنند.

محتوای انشایی

مطالب دستوری ندای آسمانی که توسط جبرئیل (علیه السلام) اعلان می شود، چیست؟ اینک به بیان آنچه از روایات ندای آسمانی در این باره استفاده می شود، می پردازیم.

1. دستور حرکت به سوی مکه

حدیثی که از حذیفه از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده است، این مطلب در محتوای ندا با عبارت «فالحقوا بمکه؛ به مکه ملحق شوید» (مفید، همان: ص208؛ اموی دانی، بی تا، ص61) بیان شده است؛ ولی حدیث از حیث سند، ضعیف است؛ زیرا از منابع عامه نقل شده است. در روایت دیگری نیز این مطلب آمده است؛ ولی به عنوان محتوای ندا مطرح نشده است. طبق این روایت که از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است، دستور به رفتن می دهد. در این حدیث آمده است: «وقتی ندا داده شد: کوچ کنید، کوچ کنید. به خدا قسم! گویی او را میان رکن و مقام می نگریم» (نعمانی، همان: ص270).

2. دستور به پیروی از حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

احادیثی با عبارت های «فاتبعوه» (صدوق، همان: ج2، ص60؛ خزاز قمی، همان: ص147) و «فاسمعوا له و أطيعوه» (نعمانی، همان: ص301) به بیان این مطلب در محتوای ندای آسمانی می پردازند که وظیفه مخاطبان را گوش دادن به سخنان ایشان و فرمانبری معرفی می کنند.

3. دستور قیام به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

در روایتی که از ابوبصیر از امام جعفر صادق (علیه السلام) نقل شده است، محتوای ندا را متوجه حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می داند، نه مردم. در این روایت، چنین آمده است: «ینادی باسم القائم یا فلان بن فلان قم؛ به اسم قائم (علیه السلام) ندا داده می شود که یا فلان بن فلان! قیام کن» (نعمانی، همان: ص287). این ندا باید اشاره به دستور خداوند به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای قیام داشته باشد و با ندای آسمانی که مخاطب آن مردم هستند، فرق دارد؛ همان طور که در احادیثی ندای شمشیر و پرچم حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به ایشان برای قیام مطرح شده است (صدوق، همان: ج1، ص498؛ خزاز قمی، همان: ص266).

4. باز داشتن از قتل و خونریزی

روایاتی با مضمون مشابه که از عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق (علیه السلام) نقل شده و در کتاب نعمانی پشت سر هم آمده اند، بازداشتن از قتل و خونریزی را به عنوان محتوای ندا آورده اند. یکی از این روایات چنین است: «همانا منادی به اسم صاحب الامر، از آسمان ندا می دهد که: آگاه باشید امر برای فلان بن فلان است؛ پس برای چه می جنگید؟» (نعمانی، همان: ص275). این احادیث علاوه بر این، نشانگر قتل و خونریزی هنگام وقوع ندا می باشند.

ه. مخاطبان ندای آسمانی

تمام اهل زمین، ندای آسمانی را می شنوند. این مطلب در احادیث اهل بیت (علیه السلام) باتعبیرهای شنیدن اهل مشرق و مغرب (طوسی، همان: ص177 و 454؛ نعمانی، همان: ص262). شنیدن تمام اهل زمین (صدوق، همان: ج2، ص60؛ نعمانی، همان: ص267؛ خصیعی، همان: ص364)، شنیدن تمامی جانداران (نعمانی، همان: ص301)، عام بودن ندای آسمانی (صدوق، همان: ج2، ص556) مطرح شده است.

ویژگی دیگر ندا برای مخاطبان، شنیدن هر قوم و گروه به زبان خودشان است؛ یعنی اگر کسی زبان مادری او عربی است یا فارسی یا هر زبان دیگر، ندا را به همان زبان می شنود. سه حدیث که از جهت سند، معتبر هستند با

عبارت های: «یسمعه کل قوم بألسنتهم»؛ «حتى یسمعه کل قوم بلسانهم»؛ «عام یسمع کل قوم بلسانهم» به بیان این مطلب می پردازند (طوسی، همان: ص435؛ صدوق، همان: ج2، ص556؛ نعمانی، همان: ص282).

ویژگی سوم ندا یکنواختی آن برای شنوندگان است و دوری یا نزدیکی، معنا ندارد. روایت معتبری از امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) به این مطلب اشاره دارد: «قد نودوا نداء یسمع من بُعد کما یسمع من قرب؛ به تحقیق ندایی داده می شوند که از دور شنیده می شود؛ همان طور که از نزدیک شنیده می شود (صدوق، همان: ص556).

و. غیر منتظره بودن ندای آسمانی

حالاتی که مخاطبان ندای آسمانی، هنگام شنیدن آن از خود بروز می دهند، نشانگر غیر منتظره بودن آن برای آنان است. این حالت ها، نوعی ترس همراه حیرت و تعجب را نشان می دهند. امام جعفر صادق (علیه السلام) می فرماید: «إِذَا سَمِعُوا الصَّوْتَ أَصْبَحُوا وَكَانَ مَا عَلَى رُءُوسِهِمُ الطَّيْرُ؛ وقتی صدا را می شنوند، مانند کسانی خواهند بود که پرنده ای بر سرشان نشسته است» (نعمانی، همان: ص270). این روایت، شدت حیرت و ترس مخاطبان را نشان می دهد و آنان را به فردی تشبیه می کند که پرنده ای بر روی سرش نشسته و برای فرار نکردن آن پرنده، سر جایش بی حرکت می ماند. اینک به صورت اجمالی به بیان تأثیر های ندای آسمانی بر روی مخاطبان می پردازیم:

یکم. کرنش و ایمان ابتدایی

اولین تأثیر ندا بر مخاطبان، خضوع و تسلیم برابر آن است. احادیث ذیل آیه چهارم سوره شعراء به بیان آن می پردازند. یکی از روایات چنین است:

«هنگام اعلان ندا، کسی روی زمین نمی ماند، مگر این که گردش درمقابل ندای آسمانی، افتاده می شود و اهل زمین، وقتی صدا را از آسمان می شنوند، به آن ایمان می آورند (نعمانی، همان: 267؛ کلینی، همان: ج8، ص258؛ قمی، همان: ج2، ص118).

دوم. بیرون آمدن دختران پرده نشین

در گذشته به صورت معمول دختران از خانه ها کمتر بیرون می آمدند؛ ولی تأثیر آن ندا به قدری است که این دختران از خانه بیرون می آیند و حالت عادی خود را کنار می گذارند تا ببینند چه خبر است. این مطلب به یکی از دو وجه قابل تفسیر است:

1. در آن زمان، هنوز - هر چند به تعداد کم - دخترانی هستند که به ندرت از خانه بیرون می آیند و این اطلاق بر آنان صحیح است.

2. اهل بیت (علیه السلام) برای بیان شدت تأثیر ندا بر مخاطبان، این مطلب را آورده اند که حتی کسانی که معمولاً در خانه هستند، به واسطه ندای آسمانی، از خانه بیرون می آیند. احادیثی با تعبیر «تخرج الفتاه من خدرها» و «تخرج العذراء من خدرها» (نعمانی، همان: ص 360 و 261 و 266) به بیان این مطلب می پردازند.

سوم. بیدار شدن خفتگان

ندای آسمانی، برای همگان است و حتی افراد خواب را شامل می شود. آنان از شنیدن صدا، بیدار می شوند یا این که صدا به قدری هولناک است که افراد خواب، آن را می شنوند و وحشت زده بر می خیزند. احادیثی با عبارت های: «توقظ النائم» (نعمانی، همان: ص 26) «لایبقی راقدا الا استیقظ» (نعمانی، همان: ص 266) «فتوقظ النائم و یخرج الی صحن داره» (نعمانی، همان: ص 301) «فلا یبقی راقدا الا قام» (طوسی، همان: ص 454) بر بیدار شدن افراد خواب دلالت می کنند.

چهارم. وحشت افراد بیدار

در روایاتی، وحشت افراد بیدار از ندای آسمانی، با عبارت «تفزع الیقظان» بیان شده است (نعمانی، همان: ص 260 و 261 و 266).

پنجم. نشستن افراد ایستاده و ایستادن افراد نشسته

تأثیر ابتدایی ندای آسمانی بر افراد، به قدری است که ایستادگان می نشینند و نشستگان، از وحشت بر می خیزند. احادیثی بر این مطلب دلالت می کنند (طوسی، همان: ص454؛ نعمانی، همان: ص262). ترجمه یکی از روایات چنین است: «ایستاده ای نیست، مگر این که می نشیند و نشسته ای نیست، مگر این که به خاطر ترس از آن صدا می ایستد».

محور دوم. پیامدهای ندای آسمانی

هنگامی که توسط جبرئیل امین (علیه السلام) ندا داده می شود، واکنش ابتدایی مخاطبان، خضوع و ایمان همراه تعجب توأم با ترس است که در فصل پیشین بیان شد؛ ولی بعد از ساعاتی، واکنش واقعی اهل ایمان و کفر روشن می شود. همچنین بعد از این ندا، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از پرده غیبت بیرون می آید. در این فصل به بیان پیامدهای ندا می پردازیم:

الف. خروج حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

ندای آسمانی، اعلان ظهور و آمدن امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است؛ پس اولین پیامد آن، باید ظهور حضرت باشد. در روایتی از ابوبصیر از امام جعفر صادق (علیه السلام) نقل شده است: «وَيَخْرُجُ الْقَائِمُ مِمَّا يَسْمَعُ وَ هِيَ صَيْحَةُ جِبْرِئِيلَ (علیه السلام)؛ حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وقتی ندا را می شنود، ظاهر می شود و آن، صدای جبرئیل امین (علیه السلام) است» (نعمانی، همان: ص301).

احادیث دیگری نیز بر ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بعد از صیحه آسمانی دلالت می کنند (نعمانی، همان: ص262؛ صدوق، همان: ج1، ص603؛ مفید، همان: ص208).

ب. واکنش اهل ایمان

ندای آسمانی، بشارتی برای مؤمنان است. پس از قرن ها انتظار، حجت خداوند و نگین آفرینش از پرده غیبت

بیرون آمده و با ظهورش، جهان را نورانی خواهد کرد؛ از این رو چنین روزی برای مؤمنان، روز سرور و شادی خواهد بود. در حدیثی می خوانیم: «أَلَا ذَلِك يَوْمٌ فِيهِ سُورُ وَلَدِ عَلِيٍّ وَ شِيعَتِهِ؛ آگاه باشید، آن روز (روز اعلان ندای آسمانی) روز شادی فرزندان علی (علیه السلام) و شیعه او است (نعمانی، همان: ص144).

ج. واکنش کافران

کافران و معاندان، وقتی می شنوند به نام مبارک حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ندا داده می شود، می فهمند وقت نابودی حکومت های ظالم آنان فرا رسیده است و برابر کسی هستند که قدرت آسمانی با اوست و توان مقابله با او را ندارند. آنان ابتدا به ناتوانی خود اقرار می کنند؛ ولی - همچون ابلیس لعین که می دانست مقابل پروردگار متعال ایستادن، یعنی نابودی و با این حال به جای توبه، گردنکشی کرد و بر انحراف خود افزود - بر لجابت خود می افزایند و مقابل حضرت، صف آرای می کنند و نبردهای آن امام معصوم با چنین افرادی خواهد بود.

در احادیث اهل بیت (علیه السلام)، روز اعلان ندا، روز سختی برای کافران شمرده شده است: «عَذَابًا عَلَى الْكَافِرِينَ» (صدوق، همان: ج2، ص59؛ اربلی، 1381: ص524؛ حسینی، همان: ص708).

د. ندای ابلیس

اگر ندای آسمانی، فقط توسط جبرئیل امین (علیه السلام) داده می شد، همگان برابر آن سر تسلیم فرود می آوردند. در روایتی از زراره بن اعین می خوانیم: به امام جعفر صادق (علیه السلام) عرض کردم: «تعجب می کنم، خدا شما را سلامت بدارد! با وجود عجایبی چون خسف بیداء سپاه (سفیانی) و ندایی که از آسمان است، چگونه باز با حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می جنگند؟» حضرت فرمود: «همانا شیطان آنان را رها نمی کند، تا اینکه ندا می دهد، همان طور که بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در روز عقبه (2) ندا داد» (نعمانی، همان: ص273).

اکنون سؤال این است که آیا شیطان می تواند معجزه ای بیاورد و با این عمل، به مقابله با حجت های الهی بپردازد و مردم را گمراه کند؟

یکی از اندیشوران، با بیان دو مقدمه، ندای ابلیس را نمی پذیرد.

مقدمه اول: تعداد روایات دلالت کننده بر ندای باطل، نسبت به تعداد اخبار ندای حق، بسیار کم است. مقدمه

دوم: اگر ما ظهور اولی این اخبار را بنا بر فهم تقلیدی بپذیریم، صادر شدن ندای باطل، به شکل اعجازی و متافیزیکی، معجزه ای صادر شده از جانب باطل است.

ایشان در ادامه، معجزه از طرف باطل را به دلیل فریفتن انسان ها و سوق دادن آنان به سوی انحراف و جهالت، بر خداوند محال می شمرد و سپس می گوید:

وقتی این دو مقدمه تام است، لازم است این اخبار را کنار بگذاریم؛ زیرا این روایات کم هستند و دلالت بر امر محالی می کنند؛ پس عمل کردن به آن ها محال است (صدر، 1412: ص132).

در پاسخ این عالم می توان گفت:

اولاً بیش از پانزده حدیث که تعدادی از آن ها از حیث سند، معتبر هستند درباره ندای ابلیس آمده است (صدوق، همان: ص555 و 556 و 558؛ نعمانی، همان: ص262 و 267 و 269 و 272 و 274؛ طوسی، همان: ص435 و 461؛ کلینی، همان: ج8، ص177 و 258؛ مفید، 1413، ص358).

به راحتی نمی توان این روایات را کنار گذاشت. این اخبار، در مقایسه با اخبار ندای آسمانی و معرفی نام و نسب حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کمتر است؛ ولی در صورت عدم تعارض، نمی توان آن ها را ترک کرد.

ثانیاً در اخبار ندای آسمانی، عبارت هایی دال بر همگانی بودن و شنیدن هر قومی با زبانشان وجود داشت؛ ولی در اخبار ندای ابلیس، عبارتی که همگانی بودن آن را برساند، وجود ندارد، مگر این که از روی تقابل با ندای آسمانی، قایل به فراگیر بودن آن شویم؛ از این رو ندای ابلیس، مانند سحر جادوگران مقابل معجزه حضرت موسی (علیه السلام) است؛ یعنی به وضوح، حق از باطل مشخص است؛ ولی اهل باطل به دنبال بهانه ای هستند، تا به حق نگروند و جبهه ای مقابل آن تشکیل دهند. اگر نام «ابلیس» در بیشتر اخبار ندای شیطانی نیامده بود، قائل به ندای شیطانی انسی می شدیم و آن را به وسیله ابزار ساخت بشر معرفی می کردیم. همچنین در دو روایت، این ندا به ندای ابلیس در جمره عقبه بر ضد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تشبیه شده است (صدوق، همان: ج2، ص555؛ نعمانی، همان: ص273).

در روایتی از امام محمد باقر (علیه السلام) می خوانیم: همانا امر ما روشن تر از این خورشید است. سپس فرمود: منادی از آسمان ندا می دهد به نام فلان بن فلان که او امام است و ابلیس - لعنت خدا بر او باد - از زمین ندا می دهد، همان طور که شب عقبه بر ضد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ندا داد (صدوق، همان: ج2، ص555).

در این حدیث، امر اهل بیت (علیه السلام) در آخر الزمان «أبین من الشمس» معرفی شده است و این مطلب، نشانگر شناسایی راحت ندای آسمانی از ندای ابلیس است. اگر کسی خود مشکل نداشته باشد، دنباله روی از ندای حق، آسان خواهد بود.

اینک به معرفی اجمالی ندای ابلیس می پردازیم:

نخست. ویژگی های ندای ابلیس

از میان احادیث مطرح کننده ندای شیطانی، بیشتر آن ها منادی را «ابلیس» معرفی می کنند که نیمی از آن ها، سندشان معتبر است. (3)

مکان ندای ابلیس، زمین معرفی شده است. در روایتی که از عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق (علیه السلام) نقل شده است، صوت او از آسمان معرفی می شود. در این حدیث چنین آمده است: «ابلیس لعین از زمین بالا می رود، تا این که ناپدید می شود و سپس ندا می دهد» (نعمانی، همان: ص 269). روایت دیگری نیز به این مضمون وارد شده است. به سبب روایات دیگر که دال بر زمینی بودن ندای ابلیس است، می توان از این دو حدیث، صرف نظر کرد یا این که بگوییم به دلیل باطل بودن ندای ابلیس، این ندا - که از آسمان پخش می شود - زمینی معرفی شده است و در مقابل، ندای آسمانی، هم از آسمان است، هم به دلیل بر حق بودن آن، آسمانی معرفی شده است. مؤید این مطلب روایتی است که از هشام بن سالم از امام جعفر صادق (علیه السلام) نقل شده است. در این حدیث آمده است: «واحد من السماء و واحد من ابلیس» (نعمانی، همان: ص 274). این روایت، به جای زمینی معرفی کردن ندای ابلیس، آن را از ابلیس معرفی می کند. گویی مراد از آسمانی بودن ندای آسمانی، حقانیت آن است که این گونه یکی آسمانی و یکی از ابلیس در مقابل هم مطرح می شوند.

بیشتر احادیث، زمان ندای شیطانی را آخر روز می دانند (نعمانی، همان: ص 262؛ صدوق، همان: ج 2، ص 558؛ طوسی، همان: ص 435 و 454). و احادیثی، زمان آن را فردای ندای آسمانی معرفی می کنند (نعمانی، همان: ص 267 و 269). بنابر تکرار ندای آسمانی در شب و اول روز بیست و سوم، ندای ابلیس به نسبت هر یک، زمان متفاوتی پیدا می کند و تفاوت مطرح شده در این احادیث می تواند از این جهت باشد؛ ولی نقطه اشتراک این روایات، متأخر بودن ندای ابلیس، در مقایسه با ندای آسمانی است؛ یعنی ندای آسمانی - چه یک بار باشد یا دو بار - قبل از ندای ابلیس واقع می شود و ندای ابلیس، واکنشی مقابل آن است.

محتوای ندای ابلیس بر مظلومیت خلیفه سوم و به ناحق ریخته شدن خون او و طلب خونخواهی برای او زیر پرچم سفیانی است که از دودمان بنی امیه می باشد. بیش از ده حدیث، به محتوای ندای ابلیس اشاره دارند (نعمانی، همان: ص 262 و 267 و 269 و 272؛ طوسی، همان: ص 435؛ صدوق، همان: ج 2، ص 558). به نظر می رسد با توجه به کثرت مسلمانانی که عثمان بن عفان را به عنوان خلیفه سوم قبول دارند، مطرح کردن حقانیت وی به دلیل دستیابی به وجاهتی برای سفیانی میان مسلمانان باشد و آنان دنباله رو سفیانی شده یا حداقل دچار شک و تردید شوند و از همراهی با حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کناره گیرند. می توان گفت آن هنگام ابلیس دستمایه ای بهتر از این برای تقویت جبهه باطل به فرماندهی سفیانی ندارد.

دوم. هدف از ندای ابلیس

ندای ابلیس، پایان روزی که ندای آسمانی در آن اتفاق می افتد یا فردای آن روز، نشان از واکنش سریع اهل باطل به سرکردگی ابلیس است و هدف آن جلوگیری از تأثیر ندای آسمانی و تردید در دل شنوندگان آن است. احادیثی با عبارت های «لیشکک الناس و یفتنهم» و «یشکک الناس» به این مطلب اشاره دارند (نعمانی، همان: ص262؛ صدوق، همان: ج2، ص556).

سوم. تأثیر ندای ابلیس

ندای ابلیس، باعث شک و تردید در دل اهل باطل و بازگشتن آنان از پذیرش ندای آسمانی می شود. عبارت «فعند ذلک یرتاب المبتلون» در چند حدیث تکرار شده است که نشان از شک اهل باطل، بعد از شنیدن ندای ابلیس دارد (طوسی، همان: ص435 و 454؛ صدوق، همان: ج2، ص558).

طبق برخی احادیث، اهل باطل، ندای آسمانی را سحری از جانب اهل بیت (علیه السلام) مطرح می کنند و از آن باز گشته و با ندای ابلیس دلگرم می شوند و به دنبال مقابله با ندای آسمانی و اهل حق می افتند؛ ولی اهل ایمان، ثابت قدم می مانند و ندای شیطان در آنان تأثیری نمی گذارد (نعمانی، همان: ص267).

خاتمه

ندای آسمانی را می توان به وسیله مقدم بودن بر ندای ابلیس و آگاهی قبلی از رخ دادن آن و نیز از روی محتوای آن شناخت؛ زیرا ندای آسمانی به معرفی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می پردازد؛ کسی که همه مسلمانان به آن عقیده دارند و او را از فرزندان حضرت فاطمه (علیها السلام) می دانند؛ در حالی که ندای ابلیس، مردم را به سوی فردی از بنی امیه فرا می خواند. برای شناخت ندا توسط مردم، وظیفه عالمان دین را نباید فراموش کرد که باید این آگاهی ها را در آن زمان به مردم برسانند. این مطالب در احادیث اهل بیت (علیه السلام) مطرح شده است (نعمانی، همان: ص262 و 267 و 269 و 272 و 273 و 274؛ کلینی، همان: ج8، ص208).

به دنبال اعلان ندای آسمانی، وظیفه ما گوش دادن به محتوای آن و دنباله روی از آن است که در احادیث، عبارت هایی چون: «فَرَجَمَ اللَّهُ مَنْ اَعْتَبَرَ بِذَلِكَ الصَّوْتِ فَأَجَابَ» (نعمانی، همان: ص262) یا «وَأَسْمَعُوا وَ أَطِيعُوا»

(صدوق، همان: ج2، ص558) یا «فَاتَّبِعُوا الصَّوْتِ الْأَوَّلَ» (نعمانی، همان: ص270) این مطلب را می‌رساند.

نداهای دیگری در روایات اهل بیت (علیه السلام) با عنوان ندای بعد از بیعت جبرئیل (علیه السلام) با حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در کنار کعبه (صدوق، همان: ج2، ص589؛ عیاشی؛ 1380: ج2، ص254) و ندای قبل از پایان دنیا (نعمانی، همان: ص335؛ عیاشی، همان: ج1، ص207) مطرح شده اند که به دلیل کمی روایت درباره آن ها و نبود حوصله این نوشتار متذکرشان نمی‌شویم.

در پایان، این نکته قابل ذکر است که عامه نیز ندای آسمانی را مطرح کرده اند. آنان قایل به سه صوت هستند: اولین آن ها، صوتی بدون محتوا در نیمه ماه مبارک رمضان (حاکم نیشابوری، 1411: 4، 563) و دومین آن ها، ندای آسمانی با محتوا که به معرفی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌پردازد (اموی دانی، بی تا: 268) و سومی ندای بعد از خروج حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که فرشته ای بالای سرش ندا می‌دهد (ابن عدی، 1409: ج5، ص296). بررسی و به تفصیل سخن گفتن از آن ها، نوشتار دیگری می‌طلبد.

پی نوشت ها :

1. اگر گفته شود در نقل احادیث، اصل عدم زیاده، بر اصل عدم نقیصه مقدم است و به دلیل ذکر نشدن نیمی از روایت در نقل شیخ صدوق، نقل شیخ طوسی و نعمانی بر آن مقدم است و با این بیان، ندای آسمانی در ماه رجب توسط این حدیث ثابت می‌شود، می‌گوییم در مورد یک یا دو کلمه یا یک جمله احتمال غفلت و افتادگی از راوی یا نساخ پذیرفتنی است؛ ولی نمی‌توان پذیرفت که ذکر نکردن چندین سطر توسط شیخ صدوق از روی غفلت باشد، مگر اینکه بگوییم شیخ صدوق به دلیل عدم اعتماد به بقیه حدیث به دلیل اختلاف در نقل ها از آوردنش صرف نظر کرده است.

2. وقتی پیامبر (صلی الله علیه و آله) در جمره عقبه با اهل یثرب مشغول بستن پیمان بود، ابلیس با ندای خود اهل مکه را برای مقابله با پیامبر (صلی الله علیه و آله) با خبر کرد.

3. منبع این روایات در بحث ویژگی های ندای ابلیس به تدریج ذکر می‌شود.

منابع

1. ابن عدی، عبدالله، الکامل، لبنان، دارالفکر، 1409 ق.

2. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، لبنان، دار صادر، بی تا.

3. ابن هشام، عبدالملک بن هشام، السیره النبویه، لبنان، دارالمعرفه، بی تا.

4. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، آستان قدس رضوی، 1408ق.

5. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، تبریز، مکتبه بنی هاشمی، 1381ق.

6. اموی دانی، عثمان بن سعید، السنن الوارده فی الفتن، اردن، بیت الافکار الدولیه، بی تا.
7. بحرانی، هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، 1416ق.
8. بحرانی، هاشم، المحجه فیما نزل فی القائم الحجه، قم، بی جا، بی تا.
9. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، لبنان، دارالکتب العلمیه، 1411 ق.
10. حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداه، قم، العلمیه، بی تا.
11. حسینی، شرف الدین، تأویل الآیات الظاهره، قم، اسلامی، 1409ق.
12. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، تهران، کتابخانه نینوا، بی تا.
13. خراسانی، جواد، مهدی منتظر، تهران، لاهوت، 1384ش.
14. خزاز قمی، علی بن محمد، کفایه الاثر، قم، بیدار، 1401ق.
15. خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایه الکبری، لبنان، البلاغ، 1419ق.
16. دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، البدایه و النهایه، لبنان، دار الفکر، 1407 ق.
17. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
18. راوندی، قطب الدین، قصص الانبیاء، مشهد، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، 1409 ق.
19. شیخ صدوق، محمد بن علی بابویه، عیون اخبار الرضا، بی جا، جهان، 1378ق.
20. شیخ صدوق، محمد بن علی بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، قم، سازمان چاپ و نشر دار الحدیث، 1380 ش.
21. شیخ صدوق، محمد بن علی بابویه، من لایحضره الفقیه، قم، اسلامی، 1413ق.
22. شیخ طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، لبنان، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
23. شیخ طوسی، محمد بن حسن، التهذیب، تهران، دارالکتب اسلامی، 1365 ش.
24. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، قم، معارف الاسلامی، 1425 ق.
25. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، اختصاص، قم، کنگره شیخ مفید، 1413 ق.
26. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، قم، کنگره شیخ مفید، 1413 ق.

27. صدر، محمد، تاریخ ما بعد الظهور، لبنان، دارالتعارف للمطبوعات، 1412ق.
28. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، اسلامی، 1417ق.
29. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوك، لبنان، دارالتراث، 1387 ق.
30. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرين، تهران، مرتضوی، 1362ش.
31. عاملی، جعفر مرتضی، درسه فی علامات الظهور و الجزیره الخضراء، قم، جبل عامل الاسلامی، 1412ق.
32. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، چاپخانه علمیه، 1380 ق.
33. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بی جا، دارالهجره، 1409 ق.
34. قزوینی، محمد کاظم، الامام المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، من المهد الى الظهور، قم، محلاتی، 1380 ش.
35. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم، دارالکتاب، 1404ق.
36. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، لبنان، دار الاضواء، 1405ق.
37. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، لبنان، مؤسسه الوفاء، 1404 ق.
38. مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، لبنان، دارالکتب العلمیه، 1423ق.
39. مسعودی، علی بن الحسین، اثبات الوصیّه، لبنان، دارالأضواء، 1409ق.
40. معتزلی، عبدالمجید بن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، 1404 ق.
41. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتاب اسلامی، 1374 ش.
42. موسوی اصفهانی، محمد، مکیال المکارم، قم، ایران نگین، 1381 ش.
43. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، قم، مدین، 1426.